

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث



بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

تبریک عرض میکنم عید سعید و بزرگ مبعث را به همه‌ی ملت ایران، به همه‌ی امّت اسلامی و به همه‌ی آزادگان عالم. عید مبعث، عید همه‌ی عدالت‌خواهان جهان است و عید هشدار به امّت اسلامی است. امروز یک مطلبی راجع به بعثت عرض میکنم، یک جمله‌ی کوتاهی هم راجع به مسائل انقلاب عرض خواهم کرد.

بعثت؛ برانگیخته شدن پیامبر و برانگیختن و حرکت دادن مردم به سمت نیک‌بختی

در مبعث، در یک چنین روزی، قلب مقدّس پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلام) مخزن

گران‌بهارترین امانت الهی شد یعنی وحی الهی، و سنگین‌ترین مسئولیت عالم وجود بر دوشهای پُرتوان آن بزرگوار نهاده شد که مسئولیت هدایت بشر تا آخر عالم است. البتّه این بعثت، هدیه‌ی بزرگی هم

بود به همه‌ی بشریّت.

بعثت به معنای برانگیختگی است؛ یعنی برانگیختگیِ انسان برگزیده‌ی پروردگار - که رسول الهی است - و این برانگیختگی همراه میشود با اتّصال او به منبع لایزال علم و قدرت الهی؛ که این، حادث شدنِ پدیده‌ی عظیم رسالت و پیامبری است؛ در مرحله‌ی بعد، این برانگیختگیِ شخص پیغمبر به برانگیختگیِ مجموعه‌ی‌های بشری منتهی خواهد شد؛ یعنی پیغمبر اکرم و رسول الهی در هر دوره‌ی‌ای - هر یک از پیامبران بزرگ الهی - بعد [از این] که مبعوث میشود و برانگیخته میشود، مجموعه‌ی‌های انسانی را او برانگیخته میکند و به راه می‌اندازد و حرکت میدهد به سمت راهی نو، به نیک‌بختی بشر و راهی را در مقابل پای انسان قرار میدهد؛ معنای بعثت این است.

توحید؛ بزرگ‌ترین هدف بعثت

در بعثتِ همه‌ی پیامبران اهدافی وجود داشته است - اهداف الهی - که طبعاً هدف خود پیغمبر هم، به تبع تبعیّت از پروردگار، همان هدف خواهد بود. پس بعثتها هدفهای بزرگی دارند که رأس همه‌ی این هدفها عبارت است از توحید؛ توحید، هدف بزرگ بعثت است؛ وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اْعْبُدُوا إِلَهًا وَاجِدًا غَيْرَهُ (۲) توحید خالص، توحید محض؛ که این آیه‌ی شریفه در سوره‌ی نحل است. در سوره‌ی اعراف و همچنین در سوره‌ی هود [هم] از زبان چندین پیغمبر بزرگ مثل نوح، مثل هود، مثل صالح و دیگران این جور گفته میشود که «يَقَوْمِ اْعْبُدُوا إِلَهًا مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ إِلَّا هُوَ غَيْرُهُ» (۳) این توحید، اوّلین هدف بعثت پیامبران است. البتّه میدانید که توحید هم فقط به معنای این نیست که انسان در ذهن خود عقیده پیدا کند که خدا یکی است و دو تا نیست؛ خب بله این هم هست لکن توحید به یک معنای مهمّی است که به معنای حاکمیّت الهی است؛ توحید به معنای حاکمیّت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین - هر دو - است که بایستی امر الهی نافذ دانسته بشود؛ هم در عالم تکوین - در همه‌ی حوادث وجود، «لا حول و لا قوّة الاّ بالله» - و هم در عالم تشریع، همه‌ی این حوادث و همه‌ی حالات ناشی از قدرت واحد پروردگار است. خب این، هدف اصلی است.

حیات طیّبه؛ هدف دیگر پیامبران

هدفهای دیگری هم وجود دارد؛ تزکیه‌ی بشر، یعنی پالایش روحی انسانها از آلودگی‌ها و از پیرایه‌های پست‌کننده و انحطاط‌آور؛ تعلیم انسانها و مقام علمی انسانها را بالا بردن. استقرار عدالت، که جامعه‌ی بشری با عدالت اداره بشود؛ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (۴) ایجاد حیات طیّبه؛ فَلَا تُحْيِيَنَّاهُ حَيًّا يُؤْتِيهِ حَيَاتًا طَيِّبَةً؛ (۵) این حیات طیّبه یعنی چه؟ حیات طیّبه به معنای رشد و شکوفایی عقل بشر و علم بشر از سویی و آرامش روحی بشر، آسایش مادّی بشر، امنیّت محیط زندگی بشر و

رفاه بشر و شادکامی بشر و بالاتر از همه، ای اینها تکامل معنوی و عروج روحی انسان است؛ حیات طیبه یعنی اینها. اینها اهداف بعثت پیامبران است. البته در اینجا مورد بحث غالباً پیامبران بزرگ الهی هستند، [لکن] پیامبران دیگری هم بودند که به معنای مبالغه این حقایق به نقاط مختلف عالم گسیل میشدند.

ابزار دستیابی به اهداف بعثت: برنامه‌ریزی برای ایجاد مناسبات اجتماعی و داشتن قدرت سیاسی خب ملاحظه میکنید که این هدفها، هدفهای بسیار بزرگی است، هدفهای دشواری است؛ این هدفها چه جوری به دست می‌آید؟ این طبعاً اولاً احتیاج دارد به یک برنامه‌ریزی گسترده برای مناسبات اجتماعی؛ یعنی اگر چنانچه نبیّ اسلام، نبیّ حق، فرستاده‌ی الهی در هر دوره‌ای بخواهد این اهداف را تحقق ببخشد، ناچار بایستی به تناسب این اهداف، مناسبات اجتماعی ایجاد بکند. مطلب دوم هم قدرت سیاسی است؛ یعنی این مناسبات اجتماعی را یک انسان منزوی یا یک نصیحت‌کننده که فقط مردم را نصیحت میکند نمیتواند به وجود بیاورد؛ قدرت لازم است، قدرت سیاسی لازم است. بنابراین بعثتها، همراه هستند هم با یک قدرت سیاسی بزرگ و هم با یک برنامه‌ریزی وسیع برای تحقق این اهداف.

دستورات و برنامه‌های حکمرانی پیامبران بر اساس کتاب خدا

پس با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید -حالا اینکه کدام پیغمبر توفیق پیدا کرد این کار را بکند و کدام توفیق پیدا نکرد بحث دیگری است، لکن هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید- که بتواند این اهداف را با تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقق ببخشد. در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته میشود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل میکند، که میفرماید: **فَبِعَاثَ الْاِنۡذِیۡیۡنَ مُبۡشَرِیۡنَ وَ مُنۡذَرِیۡنَ وَ اَنۡزَلَ مَعَهُمُ الْکِتٰبَ بِالْحَقِّ لَیۡحَکُمَ بَیۡنَ النَّاسِ فِیۡمَا اَخۡتَلَفُوۡا فِیۡهٖ؛ (۶) «لَیۡحَکُمَ»** یعنی «لایحکم کتاب»؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند، و حاکم او است در همه‌ی تنظیم‌های اجتماعی. این در سوره‌ی بقره است، در سوره‌ی مائده [میفرماید]: **وَلِیَحۡکُمَ اَهۡلُ الْاِنۡجِیۡلِ بِمَا اَنۡزَلَ اِلَیۡهِ فِیۡهٖ؛ (۷) انجیل حاکم است؛** یعنی دستور حکمرانی از انجیل گرفته میشود برای اهل انجیل؛ و همچنین در [مورد] پیغمبران دیگر که در آیات «وَمَن لَّمْ یَحۡکُمۡ بِمَا اَنۡزَلَ اِلَیۡهِ فَاولئِکَ هُمُ الْکٰفِرُوۡنَ» (۸) و «اولئِکَ هُمُ الظّٰلِمُوۡنَ» (۹) و «اولئِکَ هُمُ الْفٰسِقُوۡنَ» (۱۰) هست، در همه‌ی اینها آن چیزی که منبع و منشأ حکمرانی است و دستور حکمرانی و برنامه‌های حکمرانی از آن گرفته میشود، عبارت است از کتاب الهی که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه‌ی برنامه‌های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود.

راهبری و مدیریت حکومت و اعمال دستورات الهی بر عهده‌ی پیامبران

خب این، دستور حکمرانی است لکن این دستور حکمرانی را چه کسی عمل بکند؟ بدون وجود یک مدیریت و یک فرماندهی که این دستور عملیاتی نخواهد شد؛ پس یک مدیریت لازم است و این مدیریت و این راهبری اساسی مربوط به خود شخص پیغمبر است؛ یعنی پیغمبر اکرم و همه‌ی پیغمبران - نبی مکرّم اسلام و قبل از او پیامبران دیگر- مدیران و فرماندهانی هستند که موظّفند حکمرانی دینی و الهی در جامعه را که محصول بعثت پیغمبران است و با کتاب الهی ارائه میشود، اجرا کنند و این را تحقّق ببخشند.

البته این راهبری و فرماندهی یک جور نیست؛ در بعضی از موارد خود پیغمبر، شخص شخیص پیغمبر، متکفّل و متعهّد این فرماندهی است؛ مثل حضرت داوود، حضرت سلیمان، پیغمبر معظّم اسلام - که خود اینها در رأس حکومت قرار گرفتند و اجرای امور را خودشان متکفّل شدند - گاهی هم در مواردی پیغمبر حاکمی را معین میکند به امر الهی؛ مثل آن پیغمبری که این هم در قرآن در سوره‌ی بقره است که «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّنَا لَهِمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلَكًا يُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (۱۱) مردم که زیر فشار بودند و مشکلات داشتند، به پیغمبر مراجعه کردند که او برایشان یک حکمرانی را انتخاب کند و او هم حکمران را انتخاب کرد؛ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّنِي قَدْ بَعَثْتُ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا؛ (۱۲) طالوت شد فرمانده. بنا براین پیغمبر راهبر است و فرمانده اصلی و گرداننده‌ی اصلی است لکن اجرای کار به دست یک کس دیگری است غیر از آن پیغمبر، که در این مثال طالوت است و امثال آن هم قطعاً در تاریخ نبوّتها کم نیست و زیاد هست. یک وقت دیگر هم این جور است که پیغمبر کسی را معین نمیکند لکن خود او دارای موقعیّتی است در دستگاه حکومت که امر او نافذ است؛ مثل حضرت یوسف که امر او هم در دستگاه آن حکومت - که آن حکومت هم بتدریج گرایش به دین حضرت یوسف پیدا کرد - نافذ بود و کارها را انجام میداد، در حالی که حاکم مطلق هم نبود.

دین؛ برنامه‌ی جامع و مدیر مجموعه‌ی زندگی انسان

بنا براین وضع بعثت به طور خلاصه این جوری است. پس بعثت به معنای برانگیختگی پیغمبر است، این برانگیختگی با ارسال کتاب الهی و دستور حکمرانی الهی که به پیغمبر نازل میشود همراه است و مفاد این حکمرانی را پیغمبر خدا، رسول الهی اعمال میکند و اجرا میکند و راهبری میکند به شکلهای مختلفی که عرض کردیم. شاید شکلهای دیگری هم وجود داشته باشد که البته ما در قرآن از آن اثری ندیدیم؛ اما ممکن است وجود داشته باشد؛ ما که از همه‌ی حوادث تاریخ مطلع نیستیم. خب بنا براین دین با این نگاه گسترده چیست؟ دین با این نگاه وقتی که نگاه میکنیم عبارت است از مدیر مجموعه‌ی زندگی انسان؛ یعنی برنامه‌ی جامع؛ نه برنامه‌ی شخصی و برنامه‌ی های صرفاً عبادی و فردی انسان، که

بعضی خیال میکنند دین متکفّل برنامه‌های فردی است و مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و غیره، از حوزه‌ای دین خارج است؛ نه، این نگاه نشان میدهد که دین، جامع است، جامعیت دارد.

دشمنی اشرار با دین به خاطر نوع نگاه به دین و قلمرو آن

و طبعاً این دین با این نگاه، مورد دشمنی هم قرار میگیرد؛ در همه‌ای زمانها اشرار عالم با یک چنین دینی مخالفت کرده‌اند؛ حالا یا به این صورت که سعی کنند فرو بکاهند این منطقه‌ای عظیم و قلمرو عظیم را به مسائل شخصی یا اینکه علناً در مقابل دین بایستند؛ که فرمود: وَكَذَلِكَ لِيُكَفِّرَ عَنْ عَمَلِنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ؛ (۱۳) که این در سوره‌ای فرقان است؛ هر پیغمبری دشمنانی از مجرمین، گنهکاران، اشرار عالم داشته. در سوره‌ای انعام هم [فرمود]: وَكَذَلِكَ لِيُكَفِّرَ عَنْ عَمَلِنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَايِئِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوْحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ (۱۴) بنابراین وقتی که بعثت نبی اتفاق می‌افتد و نبی مبعوث میشود و این ساز و کار اجرای حکم الهی مطرح میشود، مفسدان و مستکبران و استعمارگران و اخلاص‌گراان زندگی بشر، طبعاً با او مخالفت میکنند، غارتگرها با او مخالفت میکنند، ظالمانه با او مخالفت میکنند. چون ضدّ ظلم است، ضدّ غارت ثروتهای بشری است، ضدّ تسلّط ناحقّ بر آحاد بشر است، اینهایی که اشرار عالم محسوب میشوند، طبعاً در مقابل پیغمبر می‌ایستند. شما امروز هم مشاهده میکنید که در تبلیغات دشمنان، از چیزی به نام «اسلام سیاسی» نام آورده میشود؛ اسلام سیاسی همین است که در نظام اسلامی ایران تحقّق پیدا کرده - که حالا بعد اشاره خواهم کرد به حرکت عظیمی که امام بزرگوار ما انجام دادند - و آماج حملات آنها، اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی یعنی همین اسلامی که توانسته با تشکیل حکومت، دستگاه‌های گوناگون، نظامهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و غیره به وجود بیاورد و یک هویت دینی و اسلامی را برای یک ملّت ایجاد بکند؛ این، آن چیزی است که در مورد دین [میشود گفت]. بنابراین تعریف قرآن از دین یک چنین چیزی است؛ این را نمیشود فرو کاست به کارهای کوچک، به یک اعمال عبادی صرف و محض. بنابراین بعثت یک حرکت عظیمی است که برنامه‌ای جامع و نجات‌بخش بشر را در اختیار انسانها میگذارد و آنها را آماده میکند برای یک حرکت بزرگ.

برانگیختگی و حرکت انسانها، نتیجه‌ای حرکت پیامبران

البتّه این جور نیست که برانگیختگی پیغمبر و راهبری او، مردم را از تحرّک در این میدان برکنار کند؛ این جور نیست. همان طور که عرض کردیم، برانگیختگی پیامبر به برانگیختگی انسانها منتهی میشود و جامعه را برانگیخته میکند؛ انسانها حرکت میکنند. لذاست که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن خطبه‌ای معروف [میفرماید]: وَاتَّزَرَ فِيهِمْ رُسُلَاهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكَّرُوهُمْ مَنَسِيٍّ نِعَمَتِهِ وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ (۱۵) دفينه‌های دانش و خرد

را در وجود انسان زنده میکنند، به حرکت درمی‌آوردند؛ فطرت خفته‌ای آنها را بیدار میکنند و آنها را به حرکت درمی‌آورند. و باز در یک خطبه‌ای دیگر نهج‌البلاغه درباره‌ی پیغمبر میفرماید که «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِيبِيهِ قَدَ احْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ اَحْمَى مَوَاسِمَهُ»؛ هم مرهم دارد، هم [مَوْسِم] -سابق، روی محل زخمها را وقتی که با مرهم خوب نمیشد، یک میله‌ای داغی می‌گذاشتند و زخم به این وسیله خوب میشد؛ در لغت عرب به این میله‌ای که طبیب داغ میکرد و می‌گذاشت روی زخم، میگویند «مَوْسِم» یا «مِدْ سَم»- میفرماید که «قَدَ احْكَمَ مَرَاهِمَهُ»؛ پیغمبر اسلام، هم مرهمها را آماده کرد، فراهم کرد، «وَ اَحْمَى مَوَاسِمَهُ»؛ هم آن میله‌های لازم را فراهم کرد که «يَصْعُ حَيْثُ يَحْتَاجُ» (۱۶) یا «حَيْثُ شَاءَ»؛ هر جا لازم است و هر جا مفید است، مرهم، و هر جا لازم است، آن [موسم]. این حدودی که می‌بینید در اسلام هست -حدود و مجازاتها و مانند اینها- همان میله‌های گداخته است که روی زخم می‌گذارند که زخم را خوب کند؛ این در مورد مسائل مربوط به بعثت.

انقلاب اسلامی ما؛ استمرار مضمون بعثت نبوی

و اما راجع به مسائل انقلاب، انقلاب عظیم اسلامی در ایران مضمون بعثت را در دوره‌ای معاصر تجدید کرد؛ یعنی خداوند متعال به امام بزرگوار ما این توفیق را داد که خطّ مستمرّ بعثت نبوی را در این دوران، با ابتکار خود، با شجاعت خود، با اندیشه‌ای بلند خود، با فداکاری خود پُررنگ کند و نمایان کند؛ [این] همان خطّ بعثت است که خب در طول زمان کم‌رنگ بود، امام بزرگوار توانست آن را پُررنگ کند و جامعیت اسلام را در عمل نشان بدهد، و نشان بدهد که اسلام یک دین جامع است و شامل همه‌ی زندگی انسان است؛ امام بزرگوار این را برجسته کرد؛ ابعاد اجتماعی و سیاسی دین را که به فراموشی سپرده شده بود، احیا کرد و به یاد آورد؛ وَ يَذَكِّرُهُمْ مَنَسِيَّ نِعْمَتِهِ؛ و مصداق این جمله قرار داد. خب این انقلاب به پیروی از بعثت نبوی بر ضدّ ظلم بود، بر ضدّ استبداد بود و بر ضدّ استکبار بود، طرفدار مظلومان بود از هر آئینی، از هر دینی -مظلومان به معنای حقیقی کلمه- طرفدار محرومان بود، طرفدار مستضعفان بود از هر ملّتی و با هر دین و مسلکی، و در همه حال هم این انقلاب، عموم بشریت را به صراط مستقیم اسلام دعوت کرد، و حرکت اساسی انقلاب این است.

صف‌آرایی اشرار عالم در مقابل انقلاب اسلامی

خب وقتی که این انقلاب تشکیل شد و نظامی را بر این اساس به وجود آورد که نظام جمهوری اسلامی است، همان حادثه‌ای که برای پیغمبران پیش می‌آمد تکرار شد؛ یعنی اشرار عالم در مقابل این انقلاب صف کشیدند همچنان که در مقابل پیغمبران صف میکشیدند؛ وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ؛ (۱۷) مجرمین عالم و اشرار عالم، مستکبرین عالم در مقابل انقلاب صف کشیدند و مشغول مقابله شدند. این البتّه خلاف انتظار ما هم نبود، ما از اوّل هم توقّع نداشتیم که اینها با

انقلاب سازگاری نشان بدهند؛ از اوّل معلوم بود که چنین اتّفاقی می‌افتد؛ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ (۱۸) معلوم بود که با انقلابی با این خصوصیات، امثال آمریکا و قدرتهای استکباری و شوروی آن روز مقابله میکنند و می‌ایستند، و همین جور هم شد.

ستیز و مقابله‌ای نظام اسلامی با دشمنان خدا و جامعه‌ای اسلامی و نه همگان خب، این مقابله قطعاً وجود دارد منتها آنها در این قضیه‌ای مقابله و معارضه‌ای با جمهوری اسلامی هم مثل همه جا تحریف و دروغ‌گویی را رایج کردند؛ گفتند جمهوری اسلامی با همه‌ای دنیا سر ناسازگاری و سر ستیزه‌گری دارد؛ این درست نیست، این خلاف است. ما از قرآن یاد گرفته‌ایم که با کسانی که با نظام اسلامی دشمنی نمیکنند خوش‌رفتاری کنیم. در سوره‌ای ممتحنه است که «لَا يَنْهِيكُمُ اللَّهُ عَنْ

الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلْوْكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»؛ این کفّاری که با شما سر ستیزه ندارند، سر جنگ ندارند، عملاً با شما دشمنی نمیکنند، شما به اینها نیکی کنید، با اینها هم به قسط و عدل عمل کنید؛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. (۱۹) انّما يَنْهِيكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ. (۲۰) بنا براین آیه‌ای قرآن این را میگوید. این جور نیست که میگویند جمهوری اسلامی با همه سر ستیزه دارد؛ خیر، ما با کسانی که با ما دشمنی نمیکنند -از هر دینی، از هر مذهبی- مشکلی نداریم، به اینها نیکوکاری هم میکنیم. تأکید اسلام مقابله‌ای با دشمنان است، کسانی که دشمنی میکنند، نه کسانی که دینشان با شما یکی نیست.

در داخل کشور، یک گروهی از این روشنفکرانها -البته سالها پیش؛ که اخیراً هم گاهی تکرار میشود- عنوان دگراندیش را در مقابل جمهوری اسلامی قرار دادند. من در یک سخنرانی گفتم که برای ما دگراندیش مسئله‌ای نیست؛ (۲۱) اندیشه‌ای شما دیگر است، خب دیگر باشد، چه اشکال دارد؟ ما با اندیشه‌ای شما کاری نداریم [لکن] دشمنی نباید بکنید. قرآن روی دشمن و دشمنی کردن تکیه میکند. در سوره‌ای ممتحنه میفرماید: يٰۤأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ اِلٰىهِمْ بِالْمَوَدَّةِ؛ (۲۲) با کسانی که دشمن من و دشمن شما هستند -هم دشمن خدایند، هم دشمن جامعه‌ای اسلامی‌اند- دوستی نکنید، آنها را همراه خودتان و هم‌پیمان خودتان نگیرید. یا آن آیه‌ای معروف «وَاعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ» که در سوره‌ای انفال است، بعد دارد که «تُرْهِبُوْنَ بِهِ عَدُوَّكَ الْاِنْفِ وَ عَدُوَّكُمْ»؛ (۲۳) این قوّت ایجاد کردن، اقتدار ایجاد کردن، سلاح تولید کردن و خود را قدرتمند کردن، برای این است که «تُرْهِبُوْنَ بِهِ عَدُوَّكَ الْاِنْفِ»، دشمن را بترسانید؛ بحث غیر دشمن نیست. بنا براین تکیه‌ای اسلام بر مواجهه‌ای با دشمن فعّال است. خب این دشمنان را ما از اوّل انقلاب آزموده‌ایم و تجربه‌ای کرده‌ایم. از روز اوّل انقلاب، با

اینکه جمهوری اسلامی نسبت به بیگانگان و دیگران خیلی گذشتها کرد، از همان اوایل توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شروع شد؛ بیش از همه آمریکا، بعد هم دیگران؛ و تا الان هم ادامه دارد.

عناصر مهمّ مواجهه با دشمنی‌ها:

دو عنصر مهم برای مواجهه با این دشمنی‌ها لازم است - که بنده همیشه توصیه کرده‌ام، باز هم توصیه میکنم - دو خصوصیت در آحاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت، و دوّمی عبارت است از صبر و استقامت، که اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت دشمن هیچ کاری نمیتواند بکند، هیچ لطمه‌ای نمیتواند بزند، هیچ توفیقی در مواجهه و مقابله‌ی با نظام اسلامی به دست نمی‌آورد؛ بصیرت و صبر. این همان است که امیرالمؤمنین فرمود: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَامَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» که این در خطبه‌ی ۱۷۳ نهج‌البلاغه است.

(۱) بصیرت، به معنای تیزبینی و شناختن راه درست

بصیرت یعنی چه؟ بصیرت یعنی تیزبین بودن و راه درست را شناختن. انسان گاهی اشتباه میکند؛ حالا احتمال اشتباه انسانهای ابتدائی و تازه‌کار که بیشتر است، آدمهای قدیمی و مجرب هم مواردی اشتباه میکنند راه درست را؛ بایستی مراقبت کرد که انسان در شناخت راه درست اشتباه نکند؛ در غبارآلودگی فتنه‌ها بتواند راه را پیدا کند و بفهمد راه درست چیست؛ بصیرت به این معنا است.

(۲) صبر، به معنای استقامت در راه درست

صبر یعنی چه؟ صبر یعنی استقامت در این راه، زاویه پیدا نکردن با این صراط مستقیم و پای فشردن بر حرکت در این صراط مستقیم؛ این به معنای صبر است. صبر را بد معنا نکنند، صبر را جور دیگری [معنا نکنند]. البتّه غالباً دشمنان یا کسانی که آگاهی درستی ندارند صبر را بد معنا میکنند؛ صبر یعنی اینکه انسان استقامت بی‌وزرد، پافشاری کند، ایستادگی کند، راه را ادامه بدهد، متوقّف نشود؛ این معنای صبری است که در مقابله‌ی با دشمنان به کار میرود.

تواصی؛ از راه‌های حفظ جامعه در برابر دشمنان

خب اگر این دو خصوصیت وجود داشته باشد، دشمن غالب نمیشود. یکی از راه‌هایی که این دو خصوصیت را بتوان در جامعه حفظ کرد، عبارت است از «تواصی»، همان که در سوره‌ی والعصر هست؛ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ - وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ مردم یکدیگر را تواصی کنند؛ این زنجیره‌ی تواصی و توصیه کردن به یکدیگر [برقرار باشد]؛ هم توصیه به حق کنند، راه حق را تأکید کنند، هم توصیه‌ی به صبر بکنند؛ این، همه را نگه میدارد. اگر چنانچه تواصی به صبر و تواصی به حق و بصیرت در جامعه وجود داشته

باشد، این جامعه به آسانی دستخوش تحرّکات دشمن نخواهد شد؛ امّا اگر چنانچه این جریان تواسی که زنجیره‌ای محافظت مؤمنان است، قطع بشود قطعاً خسارت خواهد رسید: اِنَّ سَاحِلَ الْاِنْسَانِ لَافِي خُسْرٍ، اَلَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالْمَعْرِفَةِ (۲۴) اگر این تواسی نباشد، خسارت تحقّق پیدا خواهد کرد. خب، دشمن همین عامل مهم را هدف قرار میدهد.

اهداف دشمن در جنگ نرم: ۱) قطع جریان تواسی در کشور

دشمن دو هدف را به نظرما در جنگ نرم دنبال میکند -حالا یک جنگهای آشکار نظامی و سخت و خشن هست که آنها حکم خودش را دارد، امّا جنگ نرم مشکل‌تر علاج میشود و به یک معنا از جنگ سخت خطرناک‌تر هم هست- دشمن در این جنگ نرم دو حرکت را انجام میدهد: یکی این است که این زنجیره‌ای تواسی به حق و به صبر را قطع کند؛ دوّم اینکه حقایق را وارونه نشان بدهد که تبلیغات فراوانی هم دارند که حقایق عالم را راحت بعکس و بدروغ وارونه نشان بدهند. امّا اینکه رشته‌ای تواسی به حق و صبر را در بین مؤمنان قطع کند، جریان تواسی را قطع کنند، چیز خطرناکی است؛ [اینکه] کاری کنند که مؤمنین به یکدیگر توصیه نکنند، همدیگر را حفظ نکنند، به یکدیگر امید ندهند؛ اگر قطع این جریان، بریده شدن جریان تواسی در جامعه اتّفاق بیفتد، خیلی خطرناک است. این موجب میشود که انسانها احساس تنهایی کنند، احساس نومیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کمرنگ بشود، جرئت اقدام از دست برود. وقتی تواسی نبود، این اتّفاقات می‌افتد؛ و طبعاً وقتی این جور شد، امیدها کم شد و جرئتها کم شد و اراده‌ها ضعیف شد، قهراً هدفهای عالی و متعالی بتدریج از دسترس دور میشود و کمرنگ میشود دست‌نیافتنی به نظر میرسد و به دست فراموشی سپرده میشود؛ که این افسران جنگ نرم ما نباید اجازه بدهند این اتّفاق بیفتد. من یک وقتی (۲۵) گفتم جوانهای ما افسران جنگ نرم ما هستند، جوانها نباید اجازه بدهند یک چنین اتّفاقی بیفتد و باید امیدآفرینی کنند، باید توصیه‌ای به ایستادگی، توصیه‌ای به تنبلی نکردن، توصیه‌ای به خسته نشدن کنند؛ اینها کارهایی است که جوانهای ما که گفتیم افسران جنگ نرم هستند بر عهده دارند.

البتّه امروز فضای مجازی یک فرصتی است برای این کار. حالا دشمنان از فضای مجازی جور دیگر استفاده میکنند امّا شما جوانهای عزیز این جوری از آن استفاده کنید: از فضای مجازی استفاده کنید برای امیدآفرینی، برای توصیه‌ای به صبر، برای توصیه‌ای به حق، برای بصیرت‌آفرینی، برای توصیه‌ای به خسته نشدن، تنبلی نکردن، بیکاره ماندن و مانند اینها. خب این در مورد این کارِ اوّل دشمن که قطع زنجیره‌ای تواسی و حفاظت از یکدیگر است.

کار دوّمشان را هم که گفتیم وارونه‌نمایی حقیقت است، دروغ‌گویی در باب حقیقت. این قدر هم با جرئت و قاطعیّت این دروغ را میگویند که هر کسی گوش کند، خیال میکند که این راست میگوید. خیلی خونسرد و محکم و قاطع حقیقت را ۱۸۰ درجه وارونه نشان میدهند. حالا مثلاً فرض بفرمایید که الان شش سال است که همدست عرب آمریکا دارد مردم مظلوم یمن را در خانه‌شان، در خیابان‌شان، در بیمارستان‌شان، در مدرسه‌شان بمباران میکند، آنها را محاصره اقتصادی کرده، از رسیدن غذا مانع میشود، از رسیدن دارو مانع میشود، از رسیدن نفت به آنها مانع میشود؛ شش سال است که این اتّفاق افتاده و این البتّه با چراغ سبز خود دولت آمریکا اتّفاق افتاد، آن وقت هم دولت دموکرات بر سر کار بود؛ چراغ سبز [نشان] دادند و این دولت قسّی القلب و سنگدل و ظالم عرب متأسّفانه با مردم یمن دارد این جور رفتار میکند. خب این واقعیّت قضیه است. حالا یمنی‌ها که البتّه مردم خیلی با استعدادی‌اند - مردم یمن بسیار با استعدادند - توانسته‌اند با استفاده از برخی از پدیده‌ها برای خودشان وسایل دفاعی به وجود بیاورند - یا تهیّه کنند، یا خودشان بسازند - و به این بمبارانهای شش‌ساله جواب بدهند، به مجرّد اینکه از طرف یمنی‌ها یک کاری انجام میگیرد، فریاد تبلیغات اینها بلند میشود که «آقا حمله شد، آقا ترور شد»! همه‌ی آنها میگویند، سازمان ملل هم میگوید، که واقعاً زشتی کار سازمان ملل در این زمینه از کار آمریکا بدتر است. خب آمریکا یک دولت مستکبر ظالم است، سازمان ملل چرا؟ آن [دولت] را به خاطر شش سال بمباران محکوم نمیکنند [امّا] این را برای خاطر اینکه در مواقعی از خودش دفاع کرده و این دفاع کارگر شده، ملامت میکنند و همه روی او میریزند و حمله میکنند. این یک نمونه از دروغ‌گویی.

یا بزرگ‌ترین زردخانه‌ی اتمی دنیا در آمریکا است؛ بزرگ‌ترین زردخانه‌ی اتمی! حالا شاید هزارها - من نمیدانم - بمب اتم اینها در انبارهایشان دارند و این را به کار هم بردند، یعنی تنها دولتی که بمب اتم را تا حالا به کار برده، دولت آمریکا است. آمریکا ۲۲۰ هزار نفر را در یک ساعت، در یک روز قتل‌عام کرده؛ (۲۶) این [کار] را این جوری کردند، آن وقت فریاد میزنند که ما ضدّ توسعه‌ی سلاحهای اتمی هستیم! یعنی این جوری است دیگر؛ مدّعی‌اند که ما مخالف سلاح کشتار جمعی هستیم! دروغ میگویند؛ بدترین و خطرناک‌ترین سلاح کشتار جمعی دست آنها است؛ آن را به کار هم برده‌اند، استفاده هم کرده‌اند، در عین حال میگویند ما مخالف سلاحهای کشتار جمعی هستیم.

آمریکا از مجرمی که مخالف خودش را با ارّه تکّه‌تکّه میکند - دیگر همه‌ی دنیا فهمیدند؛ سعودی‌ها یک مخالف را با یک شکلی گیر انداختند و با ارّه تکّه‌تکّه‌اش کردند (۲۷) - حمایت میکند و بعد میگوید که من طرفدار حقوق بشرم؛ یعنی وارونه‌نمایی حقیقت تا این حد، با این شکل! داعش را خود

آمریکا ایجاد کرد - این را دیگر خود آمریکایی‌ها اعتراف کردند، ما نمیگوییم؛ هم آن که ایجاد کرده بود گفت، هم آن که رقیب او بود، در مقام حمله‌ی به او گفت؛ همه‌ی آنها گفتند و اعتراف کردند که داعش را آمریکا ایجاد کرده - آن وقت به بهانه‌ی وجود داعش، در عراق، در سوریه پایگاه نظامی درست میکنند که ما می‌خواهیم با داعش مخالفت کنیم! و امکانات رسانه‌ای مدرن در اختیار داعش می‌گذارند، پول در اختیارش می‌گذارند، اجازه می‌دهند که نفت سوریه را از بین ببرند و ببرند و بفروشند و سودش را استفاده کنند، در عین حال هم می‌گویند ما داریم با داعش مبارزه می‌کنیم؛ این کارهایی است که اینها میکنند؛ خلاف واقع نمایشی.

از حضور ایران در منطقه با بغض و کینه یاد میکنند که چرا ایران در منطقه حضور دارد؛ یعنی چرا ایران در سوریه، در عراق، در بعضی جاها حضور دارد؛ در حالی که حضور ما حضور نظامی نیست؛ و آنجایی که نظامی‌های ما هم بودند، حضور مستشاری بوده؛ یک جاهایی هم که اصلاً نظامی‌ها حضور ندارند، صرفاً حضور سیاسی است، این را با کینه و به عنوان یک مشکل بزرگ که موجب بی‌ثباتی و مانند اینها است می‌گویند، در حالی که منطقه، منطقه‌ی ما است و هر جا هم ما وارد شدیم، برای دفاع از دولت قانونی آنجا وارد شدیم؛ چه در عراق، چه در سوریه، هدف ما دفاع از دولت قانونی بوده و با رضایت و خواست خود آن دولتها وارد شدیم؛ این را این جوری بزرگ میکنند، در حالی که خودشان ظالمانه، بدون اجازه وارد سوریه میشوند، یک منطقه‌ای را اشغال میکنند، پایگاه نظامی درست میکنند یا در عراق چندین پایگاه نظامی درست میکنند. وارونه‌ی نمایشی حقیقت جزو کارهای اینها است؛ و در همه‌ی زمینه‌ها این جوری است. و البته حتماً بایستی آمریکایی‌ها عراق را تخلیه کنند که خواست خود عراقی‌ها و قانون آنها است؛ سوریه را حتماً بایستی زودتر تخلیه کنند؛ هر چه زودتر. بنابراین این کار آنها است.

وظایف ما در قبال انقلاب اسلامی

ما باید بدانیم با این بار سنگین امانتی که انقلاب اسلامی بر دوش ما، بر دوش ملت ایران گذاشته و راه سعادت که جلوی آنها باز کرده، ما وظایفی داریم؛ از جمله‌ی این وظایف، همین تواصی به حق و به صبر، و شناخت دشمن و ایستادگی در مقابل دشمن، و تسلیم نشدن در مقابل دشمن و اعتماد نکردن به این دشمن غدّار است. این عرض امروز ما.

لزوم تکریم همگان نسبت به مجاهدات کادر درمان

در آخر فقط یک جمله مجدداً درباره‌ی مسائل این همه‌گیری بیماری عرض بکنم. سال به پایان رسید و تلاش و مجاهدت مجموعه‌ی درمانی کشور در مقابل بلای کرونا یک سال و بیشتر از یک سال شد، و لازم است هم بنده و هم آحاد مردم، سپاس قلبی خودمان را به این مجموعه ابراز کنیم؛ آنها را دعا می‌کنیم و از

آنها متشکّریم و سفارش میکنم که همه دفاع کنند.

امیدواریم که ان‌شاءالله خدای متعال توجّهاتش را و رحمتش را و فضلش را شامل حال ملّت کند، برای عید مبعث خدای متعال عیدی مبارکی را ان‌شاءالله به ملّت ایران و به همه‌ای مؤمنین عالم و به امت اسلامی عطا کند و همه‌ای ما را توفیق بدهد که بتوانیم به وظایفمان عمل کنیم و رضای حضرت ولیّ عصر (ارواحنا فداه) و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما کند و روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مطهره‌ای شهدای بزرگوار را ان‌شاءالله از ما راضی و خشنود کند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) این دیدار به صورت گفتگوی زنده‌ای تلویزیونی برگزار شد.

(۲) سوره‌ای نحل، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید:] "خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید." ...»

(۳) از جمله سوره‌ای اعراف، آیه‌ی ۶۵؛ «... ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست ...»

(۴) سوره‌ای حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «... تا مردم به انصاف برخیزند...»

(۵) سوره‌ای نحل، بخشی از آیه‌ی ۹۷؛ «... قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم ...»

۶) سوره بقره، بخشی از آیه ۲۱۳: «... پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند...»

۷) سوره مائده، بخشی از آیه ۴۷: «و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند...»

۸) سوره مائده، بخشی از آیه ۴۴: «... آنان خود کافرانند»

۹) سوره مائده، بخشی از آیه ۴۵: «... آنان خود ستمگرانند»

۱۰) سوره مائده، بخشی از آیه ۴۷: «... آنان خود نافرمانند»

۱۱) سوره بقره، بخشی از آیه ۲۴۶: «پیامبرشان به آنان گفت: "در حقیقت خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است."»

۱۲) سوره بقره، بخشی از آیه ۲۴۷: «آنگاه که به پیامبری از خود گفتند: "پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم"»

(۱۳) سوره ی فرقان، بخشی از آیه ی ۳۱

(۱۴) سوره ی انعام، بخشی از آیه ی ۱۱۲؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا میکنند...»

(۱۵) نهج البلاغه، خطبه ی ۱ (با اندکی تفاوت)

(۱۶) نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸ (با اندکی تفاوت)

(۱۷) سوره ی فرقان، بخشی از آیه ی ۳۱؛ «... برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم...»

(۱۸) سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی ۲۲؛ «... این همان است که خدا و فرستاده اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده اش راست گفتند...»

(۱۹) سوره ی ممتحنه، آیه ی ۸

(۲۰) سوره‌ای ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۹؛ «فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز میدارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر هم‌پشتی کرده‌اند...»

(۲۱) از جمله، بیانات در دیدار کارگزاران نظام (۱۳۸۲/۸/۱۱)

(۲۲) سوره‌ای ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۱

(۲۳) سوره‌ای انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰؛ «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید...»

(۲۴) سوره‌ای عصر، آیات ۳ و ۲؛ «واقعاً انسان دستخوش زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حقّ سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

(۲۵) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان علمی کشور (۱۳۸۸/۶/۴)

(۲۶) اشاره به بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسط آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی

(۲۷) اشاره به قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی در سفارت عربستان در ترکیه